

## حفظ قلمرو نفوذ: تبیینی بر سیاست خارجی روسیه در برابر بحران

سوریه\*

محمد رضا تخشید

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

مرتضی شجاع\*\*

دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳

### چکیده

هدف نوشتار پیش رو، بررسی دلیل‌های مداخله روسیه در بحران سوریه است. پرسش نوشتار این است که چرا روسیه در بحران سوریه به نفع دولت این کشور مداخله کرد؟ فرضیه این است که نگرانی از تحدید قلمرو نفوذ در خاورمیانه موجب شد که روسیه در بحران سوریه به نفع دولت این کشور مداخله کند. برای تبیین، نوشتار از قلمروسازی ژئوپلیتیکی به عنوان چارچوب مفهومی بهره برده است. از سال ۱۹۹۱ تاکنون تحول‌های مناطق ژئوپلیتیکی، از جمله در خاورمیانه، بیشتر به ضرر روسیه رقم خورد؛ زیرا متحدان و دوستان آن در خاورمیانه یکی پس از دیگری سرنگون شدند. صدام در سال ۲۰۰۳ از قدرت برکنار شد. چندی بعد، اجرای طرح خاورمیانه بزرگ موجب شد که جایگاه حاکمان اقتدارگرا به خطر بیفتد. خیزش‌های عربی نیز این روند را تشدید کرد. بدین شکل، زمینه نفوذ روسیه به کمترین حالت رسید. در این خیزش‌ها دولت معمر قذافی در لیبی سرنگون شد و دولت بشار اسد در سوریه تا آستانه سرنگونی پیش رفت. سوریه که از دوره اتحاد شوروی بخشی از قلمرو نفوذ آن بود، آخرین نقطه حضور روسیه در خاورمیانه به شمار می‌رود. باور رهبران روسیه این بوده است که با سرنگونی اقتدارگراها در خاورمیانه که بیشتر از دوستان روسیه هستند، یا دولت‌های غرب‌گرا بر سر کار می‌آیند یا تدریجاً که هر دو شکل، علیه منافع روسیه در منطقه است. در صورتی که دولت بشار اسد نیز فرو می‌ریخت، روسیه در خاورمیانه به قدرتی حاشیه‌ای تبدیل می‌شد. در نتیجه، ضرورت حفظ قلمرو نفوذ در این کشور و خاورمیانه موجب شد که روسیه در بحران سوریه مداخله کند.

### کلیدواژه‌ها

ترتوس، جنگ داخلی سوریه، رقابت با آمریکا، روسیه، قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی.

\* این نوشتار برگرفته از یک طرح پژوهشی با عنوان «قلمروسازی و سیاست خارجی: کاوشی در مداخله روسیه در بحران سوریه» است که با حمایت مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران اجرا شده است.

E-mail: m.shoja@ut.ac.ir

\*\* نویسنده مسئول

### مقدمه

بحران سوریه به عرصه حضور و قدرت‌نمایی کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این بحران، روسیه است. در اولین روزهای بحران، مواضع مقام‌های روسیه به مواضع کشورهای غربی و عربی نزدیک بود. تا جایی که مقام‌های سیاسی روسیه بشار اسد را تهدید می‌کردند که اگر اصلاحات را نپذیرد با واکنش سختی روبه‌رو خواهد شد. اما چیزی نگذشت که راهبرد روسیه تغییر کرد. اولین تغییر رویکرد مسکو در برابر بحران سوریه در قالب وتوی پیش‌نویس قطعنامه‌هایی بود که کشورهای غربی در صحن شورای امنیت مطرح کردند. تصویب آن‌ها دولت اسد را زیر فشار بیشتری قرار می‌داد. علاوه بر آن، نمایندگان روسیه نقش فعالی در گفت‌وگوهای آشتی ملی سوریه ایفا کردند و در نظر داشتند که مواضع طرف‌های درگیر را به یکدیگر نزدیک کنند. همچنین، مسکو با همراهی ایران و چین انواع کمک‌های اقتصادی را در اختیار دولت اسد قرار داد تا مانع فروپاشی آن شود. با این حال، مهم‌ترین بعد مداخله روسیه در بحران سوریه حمله هوایی و موشکی ارتش روسیه به مواضع مخالفان و افراط‌گرایان بوده است. عملیات هوایی روسیه که از اواخر سپتامبر ۲۰۱۵ شروع شد موازنه نیروها را در جبهه‌های نبرد به نفع ارتش سوریه تغییر داد و موجب شد که ارتش این کشور بتواند بخش چشمگیری از مناطقی را که معارضان و افراط‌گرایان اشغال کرده بودند، دوباره به کنترل درآورد.

پرسش نوشتار این است که چرا روسیه در بحران سوریه مداخله کرده است؟ در این نوشتار درستی این فرضیه را بررسی می‌کنیم که: نگرانی رهبران روسیه از تداوم روند تحدید قلمرو نفوذ در خاورمیانه موجب شد که روسیه از دولت سوریه حمایت کند. روش نوشتار تبیینی است. پیش از ورود به بحث لازم است که قلمرو ژئوپلیتیکی<sup>۱</sup> به‌عنوان چارچوب مفهومی که برای تحلیل سیاست خارجی روسیه در این بحران به کار رفت، تشریح شود.

### قلمرو ژئوپلیتیکی

هر دولتی برای خود قلمرو نفوذ تعیین می‌کند. محور مبحث قلمرو نفوذ جغرافیای اعمال اراده است. عرف بین‌المللی، جغرافیای یک کشور را به‌عنوان قلمرو اعمال حاکمیت و اراده دولت به رسمیت می‌شناسد. با این حال، جغرافیای قلمرو دولت‌ها با کاهش یا افزایش قدرت آن‌ها (به ترتیب) بسته می‌شود یا گسترش می‌یابد. دولت‌های شکست‌خورده<sup>۲</sup> یا در حال شکست<sup>۳</sup>

1. Geopolitical Territorialization
2. Faeild States
3. Failing State

همچون دولت‌های کنونی در سوریه، سومالی، افغانستان و... نمی‌توانند حاکمیت را در همهٔ جغرافیای حاکمیت خود به‌کار گیرند. در همان حال، قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل می‌توانند قلمرو اعمال ارادهٔ خود را تا مکان‌هایی دورتر از مرزهای سرزمینی خود امتداد دهند. امروزه آمریکا برای توسعهٔ قلمرو نفوذ خود در خاورمیانه تلاش می‌کند، در حالی که به نسبت خاورمیانه، سرزمین اصلی آمریکا در آن سوی جهان قرار دارد. قلمرو کشورها در آن سوی مرزهای سرزمینی آن‌ها قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی خوانده می‌شود.<sup>۱</sup> البته تعریف‌های دیگری نیز از قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی ارائه شده است.

قلمرو ژئوپلیتیکی عبارت است از: فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مربوطه که در حوزهٔ نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژی، رسانه‌ای کشور متروپل قرار دارد. به بیانی، کشورها، سرزمین‌ها و فضاهای جغرافیایی پیرامونی که در حوزهٔ نفوذ کشور مرکز (قطب) قرار دارند قلمرو ژئوپلیتیک آن نامیده می‌شوند (Hafez-Nia, 2000: 212). البته قلمرو ژئوپلیتیکی توسط کنشگر تعریف می‌شود. به همین دلیل، به آن قلمروخواهی هم می‌گویند. ادوارد سوجا<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان سازمان سیاسی فضا، از قلمروخواهی به‌عنوان مفهومی اساسی در جغرافیای سیاسی یاد کرد و آن را پدیده‌ای رفتاری خواند که با سازماندهی فضا به‌صورت مناطق نفوذ یا محدوده‌های مشخص سرزمینی در ارتباط است. امروزه با گسترش گونه‌های حاکمیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن، ممکن است برخی از سرزمین‌ها با آنکه دولت جداگانه‌ای ندارند؛ اما زیرنفوذ قدرت یا قدرت‌های بزرگ محسوب شوند (Soja, 1971: 4-7).

رابرت ساک نیز در سال ۱۹۸۶ تعریفی از این مفهوم ارائه کرد که در پیدایی نقاط عطف نظری در دوره‌های بعدی مؤثر بود. به باور او، قلمروخواهی عبارت است از: کوشش یک فرد یا یک گروه برای تأثیرگذاری، نفوذ و کنترل مردم، پدیده‌ها و روابط از راه تحدید حدود نظارت بر یک منطقهٔ جغرافیایی (Muir, 1997: 20). هر قلمرو ژئوپلیتیکی در جایی پایان می‌یابد که به آن مرز ژئوپلیتیکی می‌گویند. به بیانی، مرز ژئوپلیتیکی عبارت است از مرزها و حدود نهایی قلمرو ژئوپلیتیکی و حوزه‌های نفوذ کشور متروپل (Hafez-Nia, 2006: 114). در این رابطه باید

۱. مفهوم قلمروسازی یا قلمروخواهی در رفتار حیوانات کشف شد. تقریباً بیشتر حیوانات از راه‌های مختلف بخشی از محیط زیست خود را به‌عنوان قلمرو خود به دیگر رقیب‌های هم‌نوع معرفی می‌کنند. این رفتار در میان گربه‌سانان و سگ‌سانان و ... دیده می‌شود. جنگ‌ها و نزاع‌ها میان آن‌ها گاهی بر سر حفظ و گسترش قلمرو است. برای تحلیل رفتار کشورها در حوزه‌های ژئوپلیتیکی می‌توان به این مفهوم ارجاع داد. گویی کشورها نیز همچون حیوانات از راه‌های مختلف بخشی از کرهٔ زمین را قلمرو نفوذ خود معرفی می‌کنند.

2. E. Soja

به چند نکته توجه کرد: اول، قلمرو ژئوپلیتیک یک نقطه کانونی مرکزی و یک فضای پیرامونی دارد. به بیانی، قلمرو نفوذ شامل تعدادی از کشورها یا جوامع تابعه است که از اراده مرکز و ارزش‌های [منافع و راهبردهای] آن متأثر هستند؛ دوم، قلمروهای ژئوپلیتیک می‌توانند تک‌متغیره یا چندمتغیره، محدود یا گسترده باشد. در واقع، فضای پیرامون می‌تواند در تأثیر یک یا چندمتغیر سیاسی، نظامی، تکنولوژی، کالای صنعتی، زبان، انرژی، علم و ... باشد؛ سوم قلمرو ژئوپلیتیک از مرزهای سیاسی عبور می‌کند و به قلمرو حاکمیت سایر دولت‌ها پا می‌گذارد. در واقع، مرزهای قلمرو ژئوپلیتیک می‌تواند حتی بسیار دورتر از مرزهای سیاسی متروپل باشد. نمونه بارز آن، آمریکا است که تلاش می‌کند قلمرو ژئوپلیتیک خود را در خاورمیانه تثبیت و در آسیای مرکزی و قفقاز توسعه دهد؛ چهارم، قلمرو و مرزهای ژئوپلیتیک سیال و پویا که در نتیجه، دائم در حال پیش‌روی و پس‌روی هستند. تغییرها در قلمرو ژئوپلیتیک در بیشتر موارد در نتیجه رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌ها روی می‌دهند (Hafez-Nia, 2006: 114-116). در وضعیت تغییر قلمرو ژئوپلیتیک معمولاً نظم ژئوپلیتیک منطقه وارد دوره‌ای از جابه‌جایی می‌شود که در اصطلاح به «گذار ژئوپلیتیک»<sup>۱</sup> موسوم است.

در تاریخ سیاست بین‌الملل، بازی‌های کوچک و بزرگ پیرامون حفظ و توسعه قلمروهای ژئوپلیتیک شکل گرفته است. رقابت روسیه و ایران با محور غربی-عربی در سوریه نیز خارج از این الگو نیست. به این معنا که مسکو و تهران سوریه را بخشی از قلمرو خود می‌دانند؛ اما محور غربی-عربی تلاش می‌کند تا سوریه را از قلمرو نفوذ مسکو و تهران خارج کند و در کنترل خود درآورد. البته ترکیه تا پیش از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ با محور غربی-عربی همراهی کرد؛ اما پس از آن رویداد، راهبرد خود را تغییر داد و به محور روسیه و ایران پیوست؛ اگرچه گاهی جهت‌گیری‌ها آنکارا با محور تهران-مسکو تفاوت‌هایی داشت و اختلاف‌هایی نیز بروز کرد.

### قلمرو نفوذ اتحاد شوروی در خاورمیانه

توسعه قلمروی نفوذ ژئوپلیتیک روسیه در خاورمیانه در بستری انجام شد که پیشتر، در دوره اتحاد شوروی شکل گرفت. به بیان دیگر، تلاش روسیه برای نفوذ ژئوپلیتیک در خاورمیانه و تثبیت آن بیشتر بر کشورهای تمرکز داشت که پیشتر متحد اتحاد شوروی بودند. افزون بر آن، این کشورها مانند لیبی و سوریه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی زیر سلطه ژئوپلیتیک غرب، به‌ویژه آمریکا، قرار نداشتند؛ بنابراین بستر برای ابتکار عمل روسیه فراهم بود. اشغال عراق در

تحرك روسیه در منطقه نقش ویژه‌ای داشت. اگرچه مسکو از تجدید رقابت ژئوپلیتیکی با غرب در خاورمیانه، همانند آنچه در دوره جنگ سرد بود اجتناب می‌کرد؛ اما جاه‌طلبی ژئوپلیتیکی غرب در مناطق ژئوپلیتیکی، به‌ویژه در خاورمیانه و شرق اروپا، آن را واداشت که برای تجدید قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی در خاورمیانه ابتکارهایی را به اجرا بگذارد. از مهم‌ترین آن‌ها مداخله در بحران سوریه بود.

نظام دولت در خاورمیانه در پی قرارداد سایکس-پیکو شکل گرفت. این رویداد تقریباً با انقلاب بلشویکی در روسیه (۱۹۱۷) هم‌زمان شد. اگرچه در این زمان اتحاد شوروی روش مسالمت‌آمیزی از خود بروز داد؛ اما روش تهاجمی آن در جنگ با نازیسم برجسته شد؛ بنابراین تلاش کرد تا از فرصتی که آن جنگ نظام-گستر در اختیار آن قرار داد قلمرو ارضی خود را در خاورمیانه گسترش دهد. از مهم‌ترین اقدام‌های اتحاد شوروی در این زمینه در شمال غرب ایران روی داد (Zoghi, 1996: 153-164). اگرچه ابتکارهای اتحاد شوروی برای توسعه قلمرو ارضی در شمال ایران بی‌نتیجه ماند؛ اما برای توسعه قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی در خاورمیانه دست از تلاش برنداشت. محور سیاست‌های آن یافتن متحدان منطقه‌ای بود. از دیدگاه این نوشتار چند متغیر در تلاش اتحاد شوروی برای یافتن قلمروی نفوذ در خاورمیانه نقش داشت: ۱. روابط ملت‌های منطقه خاورمیانه و اوراسیا. این روابط تاریخی و چندبعدی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی بوده است؛ ۲. رسالت ایدئولوژیک اتحاد شوروی در آنچه به ادعای رهبران آن، نبرد علیه امپریالیسم و یاری ملت‌های زیر ستم بود؛ ۳. تلاش آمریکا برای شکل‌دهی کمربند مهارکننده به دور اتحاد شوروی و متحدان آن بود.

متأثر از سه متغیر علی‌بالا، اتحاد شوروی چهار دهه در سیاست خاورمیانه نقش تعیین‌کننده‌ای داشت (Milton Edwards and Hinchklif, 2006: 49-60, Athari and Bahman, 2011: 36-37, Antonenko, 2001). تحول مهم در این دوره امضای قرارداد کمپ دیوید و خروج مصر از مجموعه متحدان اتحاد شوروی بود؛ اما با فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه روش دیگری را برگزید.

### قلمرو نفوذ روسیه در خاورمیانه در دهه ۱۹۹۰

سیاست روسیه در دهه ۱۹۹۰ را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول، به سال‌هایی باز می‌گردد که آندره کوزیرف، وزیر خارجه روسیه بود و گفتمان غرب‌گرایی بر حاکمیت روسیه چیرگی داشت، یعنی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵؛ بخش دوم، زمانی است که یوگنی پریماکف به سمت وزارت خارجه رسید که در پی به‌دست‌آوردن بیشتر کرسی‌های دوما توسط اوراسیاگراها

و ملی‌گراها محقق شد. در نیمه اول این دهه، مشکلاتی چون مسئله چستی هویت روسیه، الزام‌های شرایط گذار به دولت مدرن، وضعیت نامطلوب اقتصادی و ... موجب شد که روسیه جدید به خاورمیانه چندان توجهی نداشته باشد. یلتسین و کوزیرف برای حل مشکلات اقتصادی گرایش به غرب را ضروری می‌خواندند.

فروپاشی اتحاد شوروی به معنی فروپاشی ساختارهای آن بود. اگرچه سهم ارث روسیه از اتحاد شوروی بیش از سایر جمهوری‌ها بود؛ اما تا سال‌ها روسیه نتوانست ساختارهای پیشین را بازسازی کند و از آن‌ها برای اجرای راهبرد ژئوپلیتیکی خود در مناطق بهره‌گیرد. متأثر از متغیرهای پیش‌گفته، روابط مسکو با کشورهای خاورمیانه به حداقل رسید؛ به‌طوری که در سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ حدود ۹۴ درصد از میزان همکاری‌های نظامی روسیه با کشورهای سوریه، عراق، لیبی و ... کاسته شد. در همان حال، مسکو در این زمان، بیشتر از هر زمان دیگری با سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه همراهی کرد (Koolaee, 2002: 18)؛ اما در پی ناتوانی غرب‌گرایان در تحقق هدف‌های مورد نظر، یلتسین وادار شد که با سپردن پست وزارت خارجه روسیه به پریماکف<sup>۱</sup> (اوراسیاگرا) موافقت کند (Karami, 2005: 126-131).

در دوره پریماکف روسیه رفتار انفعالی در امور خاورمیانه را کنار گذاشت. البته نباید این‌گونه برداشت کرد که مسکو به تقابل با غرب در خاورمیانه اقدام کرد؛ چراکه روسیه بیشتر به دنبال ایفای نقش در منطقه بود تا تقابل با غرب یا حتی تجدید قلمرو نفوذ. تلاش‌های سیاسی برای حل مشکلات خاورمیانه مانند بحران عراق و فلسطین-اسرائیل، گسترش روابط با ایران، ترکیه و اسرائیل، فروش سلاح به کشورهای منطقه و ... از ابتکارهای پریماکف بود. افزون بر آن، روسیه از همکاری اقتصادی با عراق در تحریم، سود شایان توجهی برد. تحرک روسیه در زمان پریماکف تنها به مورد عراق محدود نماند. وی بارها به کشورهای منطقه سفر کرد و بیشتر قراردادهایی در حوزه‌های انرژی و تسلیحات با کشورهای منطقه امضا کرد. اما به‌نظر می‌آید که روسیه در این زمان به بهره‌مندی از فرصت‌ها می‌اندیشید تا تجدید قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی. شاید به این دلیل که آمریکا در دهه ۱۹۹۰ چندان رغبتی به توسعه قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی در خاورمیانه نشان نداد.

#### تجدید قلمرو نفوذ روسیه در خاورمیانه در دهه ۲۰۰۰

رقابت ژئوپلیتیکی روسیه و آمریکا در دهه ۲۰۰۰ آغاز و تشدید شد. دلیل اصلی آن سیاست‌های یک‌جانبه جرج بوش (پسر) بود. در پی رویداد تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱، وی

۱. پریماکف در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ وزیر خارجه و سال‌های ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ نخست‌وزیر روسیه بود.

از چندجانبه‌گرایی اجتناب کرد و یک‌جانبه اقدام‌هایی انجام داد که روس‌ها را به شدت نگران کرد. مهم‌ترین اقدام‌های آن خروج از قرارداد موشک ضدبالستیک و آغاز پژوهش و توسعه برای ساخت سپر دفاع موشکی، حمایت از انقلاب‌های رنگی در حوزه اتحاد شوروی، توسعه ناتو به شرق، حمایت از استقلال کوزوو و از همه مهم‌تر، اشغال عراق بود؛ اما در دهه ۲۰۰۰ در اوضاع داخلی روسیه نیز تغییرهای مثبتی رخ داد. در سال ۲۰۰۰ ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور هدایت قوه مجریه را در دست گرفت. وی نیروهای غرب‌گرا که بیشتر در دوره یلتسین بر مقام‌های مختلف دولتی تکیه کرده بودند را برکنار و جریان‌های جدایی‌طلب را در قفقاز شمالی سرکوب کرد و... افزون بر آن، افزایش قیمت نفت (با ملاحظه سهم رو به افزایش روسیه در میان تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان انرژی) موجب شد که این کشور اوضاع آشفته اقتصادی را سرسامان دهد و برای اجرای سیاست خارجی فعال به مناطق ژئوپلیتیکی نظر کند.

اگرچه روسیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ از مشکلات داخلی تا حدودی رهایی یافت؛ اما همان‌طور که اشاره شد، تحول‌ها در مناطق ژئوپلیتیکی علیه منافع آن رقم خورد؛ به‌شکلی که زمینه حضور و قلمرو نفوذ روسیه در مناطق ژئوپلیتیک رو به کاهش رفت. مهم‌ترین آن‌ها شرق اروپا، حوزه اتحاد شوروی، آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه بوده است. اشغال عراق به‌دست ائتلاف به رهبری آمریکا نیز رقابت‌های ژئوپلیتیکی دو قدرت را در خاورمیانه وارد دور جدیدی کرد. عراق که از موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فردی بهره می‌برد، بعد از قرارداد کمپ دیوید مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای اتحاد شوروی در خاورمیانه بود. بعد از اخراج نیروهای این کشور از کویت، آمریکا اقدام به اشغال آن نکرد. در نتیجه روسیه توانست سطحی از روابط را با رژیم بعثی حفظ کند و حتی چندین قرارداد مهم اقتصادی (به‌ویژه در بخش انرژی) با آن امضا کند. اما با اشغال عراق به‌دست ائتلاف به رهبری آمریکا، دیگر زمینه‌ای برای توسعه نفوذ روسیه در این کشور باقی نماند.

بعد از اشغال عراق واشنگتن خود را در موقعیتی دید که می‌تواند ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر دهد. در نتیجه، مجموعه‌ای از اصلاحات را در قالب «طرح خاورمیانه بزرگ»،<sup>۱</sup> به بهانه آنچه مقابله با تروریسم می‌خواند، به کشورهای منطقه تحمیل کرد. اجرای طرح خاورمیانه بزرگ دو اثر جدی بر زمینه حضور و قلمرو نفوذ روسیه در خاورمیانه داشت. از سویی، اگر این طرح به نتیجه‌های مورد انتظار واشنگتن منتهی می‌شد رژیم‌های اقتدارگرا در خاورمیانه جای خود را به رژیم‌های دموکراتیک می‌دادند. با توجه به اینکه رژیم‌های اقتدارگرا زمینه حضور

مناسبی برای روسیه هستند تا حکومت‌های دمکراتیک، این مورد به‌منزلهٔ تحدید زمینهٔ حضور و قلمرو نفوذ مسکو در خاورمیانه و شمال آفریقا تلقی می‌شد. با توجه به تجربهٔ تلخ سیاست گرایش به غرب دولت‌هایی که در پی انقلاب‌های رنگی در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان به قدرت رسیده‌اند، روس‌ها در مورد آثار طرح خاورمیانه بزرگ بر منافع خود در خاورمیانه نگرانی جدی داشتند.

از سوی دیگر، اجرای این طرح موجب تضعیف گروه سنی و تقویت محور شیعه/مقاومت شد؛ زیرا در پی انتخاباتی که بر اساس طرح خاورمیانه بزرگ اجرا شد گروه‌های شیعی در کشورهای عراق، بحرین و گروه‌های مقاومت در فلسطین توانستند جایگاه بهتری در هرم قدرت سیاسی به‌دست آوردند. این مورد بر پویش منطقه‌ای قدرت در خاورمیانه تأثیر جدی گذاشت و روسیه را در ایجاد توازن میان محور سنی و محور شیعه امیدوار کرد؛ اما دولت‌مردان روسیه فقط نظاره‌گر تحول‌های پیش‌گفته در خاورمیانه نبودند. آن‌ها نیز برای حفظ و توسعهٔ قلمرو نفوذ خود در خاورمیانه اقدام‌هایی کردند که بیشتر توسعهٔ روابط با کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه متحدان پیشین اتحاد شوروی بود. محورهای اصلی این راهبرد آغاز یا تعمیق همکاری‌ها در موضوع‌هایی چون تسلیحات، تجارت دوجانبه، سرمایه‌گذاری، انرژی، آموزش و توریسم بود (Borshchevskaya, 2016: 204).

### انقلاب‌های عربی و تحدید قلمرو نفوذ روسیه

اما جدی‌ترین تحول در فرایند گذار ژئوپلیتیکی خاورمیانه، پیدایی خیزش‌های عربی بود. این فرایند سیاسی اجتماعی با خودسوزی یک جوان تونس به نام محمد بوعزیزی در اعتراض به مشکلات اقتصادی و فساد سیاسی آغاز شد. این اقدام جرقه‌ای بود که انقلاب مردم تونس علیه زین‌العابدین بن علی، رئیس‌جمهور را در پی داشت. این حرکت مردمی به این کشور محدود نماند. دیگر ملت‌های عرب نیز مطالبات خود را در قالب‌های گوناگون مطرح کردند. در نتیجه، در مصر انقلاب، در سوریه، یمن و لیبی جنگ داخلی، در بحرین اعتراض اکثریت و در سایر کشورهای عربی نیز اعتراض اقلیت روی داد. روس‌ها برداشت خاصی از این رویدادها داشتند. در حالی که معدودی از پژوهشگران و کارشناسان روسیهٔ انقلاب‌های عربی را حرکتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌دانستند که آمریکا را هم غافلگیر کرد؛ اما بیشتر سیاست‌مداران و پژوهشگران محافظه‌کار روس معتقد بودند که این انقلاب‌ها حرکتی به دقت برنامه‌ریزی‌شده از سوی آمریکا است که با استفاده از تکنولوژی‌های دستکاری‌شده از راه اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ... اجرا شد. برای نمونه، ولادیمیر سچین، معاون نخست‌وزیر روسیه آشکارا گفت که آنچه مدیران گوگل در مصر انجام دادند، نوعی دست‌کاری در اعتراض ضد دولتی بود که در



آنجا رخ داده است (Menkiszak, 2013: 7). از دید مقام‌های روسیه خیزش‌های عربی فرصتی بی‌مانند فراهم کرد تا آمریکا بتواند متحدان منطقه‌ای روسیه را سرنگون کند و حکومت‌های دست‌نشانده را به‌جای آن‌ها بر سرکار بیاورد. نمونه بارز آن، اقدام واشنگتن در سرنگونی دولت قذافی به‌وسیله ناتو بود (Mosaffa and Shams Lahiji, 2012: 151, Reuters, 2011).

آنچه در جنگ داخلی لیبی گذشت بر سیاست مسکو در بحران سوریه اثر گذارد. سیاست روسیه در ابتدا همراهی با غرب بود. برای نمونه، مدودیف شش ماه قبل از سقوط قذافی وی را جسد سیاسی زنده توصیف کرد. حمایت روسیه از تغییر حکومت در لیبی به حدی بود که وقتی ولادیمیر چامف، سفیر روسیه در لیبی، با رویکرد جدید کشورش (همراهی با غرب) در بحران لیبی مخالفت کرد به سرعت برکنار شد و در مارس ۲۰۱۱ بازنشسته شد (Koolae and Soltaninezhad, 2016: 123). اما روس‌ها خود را در رویدادهای لیبی بازنده یافتند. قذافی که از دوستان پیشین روس‌ها بود کنار زده شد و جغرافیای لیبی بین مخالفان تقسیم شد. همچنین جریان جنگ در لیبی کشورهای غربی با روسیه هماهنگ عمل نکردند. بعد از جنگ نیز دولت جدید لیبی، خلیفه هفتر، قراردادهای پیشین این کشور با مسکو را تمدید نکرد و قراردادهای مختلفی با شرکت‌های غربی بست. به این ترتیب، در حالی که ناتو پای خود را از حدود تعیین‌شده شورای امنیت (ایجاد منطقه پرواز ممنوع و حمایت از غیرنظامیان) فراتر گذاشت و به تغییر دولت روی آورد، اولین هشدار به روسیه داده شد. در مرحله بعد نیز روشن شد که نتیجه حمله‌های ناتو به لیبی از دست‌رفتن منافع ژئوپلیتیکی روسیه در این کشور است. این درسی بود که روس‌ها از بحران لیبی گرفتند، درسی که در طراحی سیاست آن‌ها در برابر جنگ داخلی سوریه تأثیر جدی گذاشت (Koolae and Soltaninezhad, 2016: 125). بنابراین روسیه در بحران سوریه روش خود را تغییر داد و در ابعاد گوناگون و به‌صورت تصاعدی بر حمایت خود از دولت اسد افزود. تصمیم به جلوگیری از تبدیل شدن سوریه به لیبی دیگر از دلایل اصلی مداخله روسیه در بحران سوریه بوده است. بدین صورت، سوریه آخرین قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی روسیه در خاورمیانه برشمرده شد و چنانچه دولت این کشور در جنگ داخلی سرنگون می‌شد روسیه نیز نه تنها دیگر نفوذی در این کشور نداشت؛ بلکه در خاورمیانه نیز به یک قدرت در حاشیه تبدیل می‌شد. حمایت‌های اقتصادی و نظامی روسیه از سوریه در بستر درک از تحدید قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی پدید آمد.

### سوریه به‌عنوان قلمرو نفوذ روسیه

همان‌طور که در تشریح مفهوم قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی آمد، متروپل تلاش می‌کند از راه‌های متغیرهای مختلف قلمرو نفوذ خود را در سایر کشورها توسعه دهد و تثبیت کند. در این

زمینه، همکاری‌های اتحاد شوروی/روسیه با سوریه در عرصه نظامی دربرگیرنده آن بود که سوریه بخشی از قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی روسیه در خاورمیانه باشد؛ اما روسیه روابط خود را با سوریه در ابعاد غیرنظامی گسترش داد تا موقعیت سوریه به‌عنوان قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی در خاورمیانه تثبیت شود. مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجب شد که سوریه به قلمرو نفوذ اتحاد شوروی در خاورمیانه تبدیل شود. مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

- در جنگ سرد که اتحاد شوروی و آمریکا در ابعاد ایدئولوژیک و راهبردی در رقابت بودند، دولت سوریه در سیاست‌های خود از مشی سوسیالیسم پیروی می‌کرد؛
- ارتش سوریه با مدیریت اتحاد شوروی شکل گرفت و سلاح‌های مورد نیاز آن نیز توسط مسکو تأمین شد؛
- در دوره رهبری اسد پدر و پسر، هزاران نفر از نظامیان و نیروهای اداری سوریه دوره‌های تخصصی خود را در دانشگاه‌های روسیه در اتحاد شوروی گذراندند. حدود ۲۰۰۰ نظامی روس نیز در ارتش سوریه خدمت کردند (Krutz, 2010: 18)؛
- راهبرد سیاست خارجی اسرائیل در همراهی با غرب موجب شد که اتحاد شوروی به سوریه و مصر بیشتر نزدیک شود (Trenin, 2012)؛
- پس از ورود آمریکا به خاورمیانه در دهه ۱۹۷۰ که در پی تخلیه نیروهای انگلیسی از شرق سوئز محقق شد، تلاش اتحاد شوروی برای یافتن متحد منطقه‌ای تشدید شد. بدین‌سان روابط آن با سوریه، مصر، عراق (بعد از خروج از محور غرب)، لیبی، یمن جنوبی و الجزایر، گاهی تا سطح راهبردی توسعه یافت؛
- سوریه از پیوستن به پیمان بغداد که در واقع، اتحادی ضد کمونیسم و شوروی بود خودداری کرد. دمشق حتی پیمان سنتو را علیه خود فرض می‌کرد و در برابر آن موضع گرفت (Hedayati Shahidani and Pinkovtsev, 2015: 66)؛
- در سال ۱۹۷۱ اتحاد شوروی توانست امتیاز بهره‌برداری از بندر ترئوس را به‌دست آورد (Cordesman, 2015)؛
- شکست سوریه در جنگ شش روزه موجب شد که دو کشور بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند.

در واقع، بعد از امضای قرارداد بهره‌برداری اتحاد شوروی از بندر ترئوس بود که سوریه به‌عنوان بخشی از قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی اتحاد شوروی در خاورمیانه به‌حساب آمد. اما مقام‌های اتحاد شوروی در پنج سال آخر حیات خود درگیر اصلاحات داخلی شدند. بدین‌سان از اهمیت سوریه و دیگر متحدان منطقه‌ای روسیه در سیاست خارجی این کشور کاسته شد. بعد

از استقلال روسیه در سال ۱۹۹۱ نیز یلتسین و کوزیرف این راهبرد را دنبال کردند، تا اینکه پریماکف به سمت وزارت خارجه منصوب شد. اراده وی بر آن بود که روابط روسیه را با کشورهای خاورمیانه‌ای توسعه دهد. در آن دوره، حافظ اسد نیز برای ایجاد توازن در برابر فشار آمریکا و اسرائیل از توسعه همکاری‌ها با روسیه استقبال می‌کرد (Borshchevskaya, 2016: 36). همان‌طور که گفته شد، دهه ۲۰۰۰ با دو رویداد مهم آغاز شد که مربوط به تغییر در حوزه نخبگی دو کشور بود. پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه برگزیده شد؛ شخصی که تلاش می‌کرد تا در سیاست خارجی منافع ملی روسیه را در نظر گیرد و از همراهی همه‌جانبه با غرب اجتناب کند.

دور جدید توسعه روابط در پی اشغال یک‌جانبه عراق به‌دست ائتلاف به رهبری آمریکا (۲۰۰۳) شکل گرفت. پوتین رئیس‌جمهور روسیه تجدید قلمرو نفوذ ژئوپلیتیک را در خاورمیانه سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داد. در ژوئیه همان سال و در نمایشی از استقلال مواضع روسیه از آمریکا، وزارت خارجه روسیه از بشار اسد برای سفر به این کشور دعوت کرد. بشار اسد در ژانویه ۲۰۰۵ نیز از روسیه دیدار کرد. در آن دیدار، روسیه ۷۳ درصد از ۱۳ میلیارد دلار بدهی سوریه را بخشید. این اقدام کرملین در توسعه روابط دو طرف تأثیر چشمگیری داشت (Koolae and Soltaninezhad, 2016: 120).

از مهم‌ترین منافع روسیه در سوریه، امتیاز بهره‌مندی از پایگاه نظامی است که مهم‌ترین آن‌ها پایگاه ترتوس در سواحل دریای مدیترانه است. با وجود دیدگاه‌هایی که در جهت ناچیزخواندن اهمیت این پایگاه مطرح شد، ویکتور چیرکف، معاون فرمانده نیروی دریایی روسیه گفت تا زمانی که نیروی دریایی این کشور در مدیترانه و خلیج عدن، عملیات نظامی برگزار می‌کند، ترتوس برای ما اهمیت دارد (Bagdonas, 2012: 61). پس از جنگ سرد این بندر به‌عنوان تنها مکان تجدید تدارکات دریایی روسیه در خارج از اتحاد شوروی حفظ شد. اما بعد از گشایش در روابط روسیه با سوریه که در پی بخشودگی بخش عمده‌ای از بدهی آن ایجاد شد، روسیه این بندر را ارتقا داد تا بتواند به کشتی‌های بزرگ‌تر نیز خدمات بدهد؛ بنابراین طرح توسعه این بندر در سال ۲۰۰۸ اجرا شد. به‌طوری که این بندر تا سطح یک پایگاه دریایی ارتقا یافت (Nizameddin, 2013: 116, Cordesman, 2015). همچنین از مهم‌ترین تحول‌ها در این زمینه این است که روسیه به تازگی حق استفاده از این بندر را تا سال ۲۰۴۲ به‌دست آورد (Tass, 2017). بندر ترتوس از ابعاد گوناگون اهمیت دارد. به‌طور ویژه، نزدیکی پایگاه ترتوس با دیگر

ناوگان دریایی روسیه در بندر سواستوپول<sup>۱</sup> در جزیره کریمه، تعادل در محور دفاعی روسیه در رویارویی با ناتو و غرب را فراهم می‌کند. .... اهمیت ترانسپورت را می‌توان از این جهت درک کرد که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، روسیه چندین پایگاه نظامی خود در خارج، همچون پایگاه لودروس در کوبا را رها کرد؛ اما ترانسپورت رها نشد (Harmer, 2012, Blank, 2015).

در جنگ داخلی در سوریه، روسیه توانست امتیاز استفاده از پایگاه هوایی حمیمیم در استان لاذقیه را برای ۴۹ سال به دست آورد (Tass, 2017). پایگاه هوایی حمیمیم تنها پایگاه هوایی روسیه در خارج از حوزه اتحاد شوروی است. در جنگ داخلی در سوریه، ارتش روسیه تأسیسات و سلاح‌های خود را در فرودگاه حمیمیم توسعه داد؛ به طوری که بمب‌افکن‌های تاکتیکی روسیه بتوانند از باندهای آن به پرواز درآیند. این مورد بدان معنا است که منطقه گسترده‌ای که شامل کل خاورمیانه و نیمی از شمال آفریقا است در دسترس نیروی هوایی روسیه مستقر در این پایگاه قرار دارد. علاوه بر آن، خبرهایی که در خبرگزاری‌ها درج شد حاکی از آن بود که ارتش روسیه اجازه تأسیس پایگاه‌هایی را در منطقه پالمیرا، رقه، الشعیرات و قمبشلی (در مرز با ترکیه) را به دست آورد (Bender, 2015). این امتیازها در جنگ داخلی گرفته شد. اما روسیه از نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ تلاش کرد تا نفوذ ژئوپلیتیک خود را در این کشور چندلایه کند. از این رو، همکاری‌های دو کشور در عرصه اقتصادی نیز رشد چشمگیری یافت.

در حالی که در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ صادرات روسیه به سوریه تنها ۲۱۸ میلیون دلار و حجم صادرات سوریه به روسیه نیز فقط ۲۰۶ میلیون دلار بود؛ اما در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ حجم روابط تجاری آن‌ها به ۲ میلیارد دلار رسید (Krutz, 2010: 9). تا سال ۲۰۰۹ شرکت‌های روسی در سوریه روی هم رفته ۱۹/۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کردند. تا پیش از جنگ داخلی، شرکت‌های استرویترانسگاز، سایوزنفگاز<sup>۲</sup>، ایترا<sup>۳</sup> و تات‌نفگ در حوزه نفت، گاز و انرژی (Krutz, 2010: 9, Amos, 2011 (a))، شرکت اورالماش در زمینه تولید تجهیزات حفاری، شرکت تی‌ام‌کا در زمینه تولید لوله‌های فلزی، شرکت ترکتورنیه زاودی<sup>۴</sup> در زمینه تولید تجهیزات کشاورزی، گروه سینه را<sup>۵</sup> در زمینه توربومشین در استان لاذقیه، شرکت سیترونیکز<sup>۶</sup> در زمینه ایجاد تأسیسات وایرلس (Gorenberg, 2012) و شرکت آئروفلوت<sup>۷</sup> در زمینه حمل و نقل

1. Sevastopol
2. Soyuzneftegas
3. ITERA
4. Traktornye Zavody
5. Sinara Group
6. Sitroniks
7. Aeroflot

هوایی (Amos, 2011(b) در سوریه فعالیت داشتند. افزون بر این‌ها، روس‌اتوم<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد که اولین کارخانه هسته‌ای در سوریه را خواهد ساخت و سرویس‌دهی به آن توسط تکنوپرمک‌اسپورت<sup>۲</sup> که تولید تجهیزات انرژی را بر عهده دارد انجام خواهد شد. همچنین در سفر مدویدف به سوریه در سال ۲۰۱۰ دوطرف قراردادهایی را امضا کردند که یکی از آن‌ها همکاری برای ساخت نیروگاه اتمی در سوریه بود (Krutz, 2010: 9). از این‌رو، وقتی سوریه درگیر جنگ داخلی شد که روسیه در این کشور منافع مهمی داشت. به طوری که بی‌تردید سوریه قلمرو نفوذ ژئوپلیتیکی روسیه برآورد شد. حفاظت از چنین منفعی موجب شد که روسیه از دولت اسد در برابر مخالفان، تروریست‌ها و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن حمایت کند. در صورتی که حکومت اسد سرنگون می‌شد روسیه نه تنها منافع خود را در این کشور از دست می‌داد؛ بلکه در خاورمیانه دیگر قلمرو نفوذی نداشت و در سیاست منطقه‌ای به حاشیه رانده می‌شد.

نخبگان سیاسی روسیه از دلیل‌های مداخله در بحران سوریه را مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی دانسته‌اند (Arkhipov and Others, 2015). اما انتقال تسلیحات پیشرفته ضد هوایی مانند اس ۳۰۰ و شکل‌دهی سامانه دفاع هوایی در سوریه که در اواخر تابستان ۲۰۱۷ مستقر شد یا انتقال سامانه دفاع دریایی یاخونت<sup>۳</sup> نشان می‌دهد که هدف واقعی روسیه فراتر از آن بود که نخبگان سیاسی روسیه ادعا کردند. در واقع، سامانه دفاع هوایی نمی‌تواند در نبرد علیه تروریسم مؤثر باشد؛ زیرا تروریست‌ها در سوریه توان آفندی هوایی نداشتند. انتقال سامانه دفاع هوایی فقط در چارچوب مقابله با حملات هوایی دشمنان منطقه‌ای (مانند اسرائیل و عربستان) و بین‌المللی (مثل آمریکا و فرانسه) توجیه‌پذیر است. به وسیله سامانه‌های اس ۳۰۰ و یاخونت، روسیه مانع از تکرار سناریوی لیبی در سوریه شد. البته تحول‌های روابط روسیه با غرب از سویی و با اعراب از سوی دیگر در سایر مناطق راهبردی بر سیاست خارجی روسیه در برابر بحران سوریه بی‌تأثیر نبود.

کشورهای غربی و حتی عربی در حوزه اتحاد شوروی (خارج نزدیک) به اقدام‌هایی دست زدند که منافع مسکو را به خطر انداخت. به موازات آن، برخی دولت‌های عربی نیز طرح‌هایی را برای گسترش قلمرو نفوذ در حوزه اتحاد شوروی اجرا کردند. آثار بارز آن را می‌توان در رشد وهابیت و افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز مشاهده کرد. رشد خزنده وهابیت در قفقاز شمالی و اثر اجتناب‌ناپذیر آن بر جدایی‌طلبی در این منطقه به مهم‌ترین مشکل امنیتی

---

1. Rusatom  
2. Tekhnopromeksport  
3. Yakhont

داخلی روسیه از سال ۱۹۹۱ تاکنون تبدیل شده است. از این رو، سوریه یکی دیگر از عرصه‌های رقابت ژئوپلیتیکی روسیه با اعراب بود؛ چه اینکه کشورهای عربی همچون عربستان، اردن، قطر و کویت آشکار و پنهان از مخالفان و افراط‌گراها در بحران سوریه حمایت کردند.

### نتیجه

از زمان جنگ سرد سوریه به بخشی از قلمرو نفوذ اتحاد شوروی در خاورمیانه تبدیل شد. غیر از نیمه اول دهه ۱۹۹۰، نخبگان روسیه نسبت به حفظ و تعمیق نفوذ کشورشان در سوریه نظر داشتند. اما این راهبرد در ابتدا فقط در قلمرو بازسازی مناسبات نظامی-راهبردی پیگیری شد. اما در تأثیر فشارهای ژئوپلیتیکی در حوزه اتحاد شوروی و خاورمیانه، نخبگان روسیه در صدد برآمدند که روابط کشورشان با دمشق در ابعاد اقتصادی نیز توسعه یابد. به دنبال این راهبرد جدید، نفوذ روسیه در سوریه تعمیق شد؛ بنابراین وقتی سوریه درگیر بحران داخلی شد، روسیه در این کشور منافع نظامی و اقتصادی گسترده‌ای داشت. در صورتی که دولت اسد نیز فرومی‌پاشید وزن روسیه در خاورمیانه تا سطح یک بازیگر حاشیه‌ای تنزل می‌یافت. تردیدی نیست که مداخله روسیه در بحران سوریه موقعیت آن را نه تنها در سوریه بلکه در خاورمیانه و نظام بین‌الملل ارتقا داد. به نظر می‌رسد که روسیه تلاش خواهد کرد که از درگیری مستقیم با سایر کانون‌های قدرت از جمله غرب، در خاورمیانه اجتناب کند یا اگر نیازی به تقابل بود، این مورد را از راه کنشگر دیگر، مانند محور مقاومت انجام دهد. همچنین مداخله نکردن در بحران یمن نشان داد که روسیه تمایلی ندارد که در همه خاورمیانه نفوذ دوره اتحاد شوروی را زنده کند. به هر حال، روسیه از کنشگران اصلی سیاست خاورمیانه باقی خواهد ماند؛ اما این حضور بیشتر به دنبال همکاری است تا تقابل. با این حال تحدید قلمرو نفوذ خود را نخواهد پذیرفت؛ مگر اینکه جایگزین آن شایان توجه باشد؛ زیرا روس‌ها بارها نشان دادند که خاورمیانه اولویت اول سیاست خارجی آن‌ها نیست.

## References

### A) Persian

1. Athari, Asadollah and Shoeyb Bahman (2011), "Russia and New Middle East: Strategies and Challenges", **International Relations Quarterly**, Vol. 4, No. 16, pp. 33-64.
2. Hafez-Nia, Mohammad Reza (2000), **Foundation of Sociopolitical Studies**, Tehran: Sazman-e Hozeha va Madares-e Elmiye Kharej az Keshvar.

3. Hafez-Nia, Mohammad Reza (2006), **Principels and Concepts of Geopolitics**, Tehran: Samt.
4. Karami, Jahangir (2005), **Evaluation in Russia Foreign Policy: Identity of State and Problem of West**, Tehran: Center for Political and International Studies Publisher.
5. Koolae, Elaheh (2002), **Review of Theatrical and Historical Bases of Integration and Fragmentation in Russia**, Tehran: Center for Political and International Studies Publisher.
6. Koolae, Elaheh and Mohammad Soltaninezhad (2016), "Cause and Motivations of Russia's Military Campaign in Syria", **Strategic Studies Quarterly**, No. 73, pp. 115-136.
7. Milton Edwards, Murli and Peter Hinchklif (2006), **Crisis in Middle East**, Translated by Shahrzad Rastegar, Tehran: Ghumes.
8. Mosaffa, Nasrin and Ali Reza Shams Lahiji (2012), "Libya: Derbi of Responsibility of Protection", **Strategic Studies Quarterly**, Vol. 15, No. 55, pp. 149-168.
9. Hedayati Shahidani, Mahdi and Roman Vladimirovich Pinkovtsev (2015), Russian-American Behavioral Patterns in Regional Conflicts Management; Case Study Syrian Crisis, **Strategic Research of Politics**, Vol. 3, No. 12, pp. 61-85.
10. Zoghi, Iraj (1996), **Political and Economic Issues of Iran's Oil**, Tehran, Pazhang.

## B) English

1. Amos, Howard (2011)(a), "Billions of Dollars of Russian Business Suffers along with Syria", **Moscow Times**, Available at: <https://themoscowtimes.com/articles/billions-of-dollars-of-russian-business-suffers-along-with-syria-9298>, (Accessed on: 19/1/2016).
2. Amos, Howard (2011)(b), "Russia Damages Image in Arab Spring", **Moscow Times**, Available at: <https://themoscowtimes.com/articles/news-analysis-russia-damages-image-in-arab-spring-9152>, (Accessed on: 7/3/2016).
3. Antonenko, Oksana (2001), "Russia's Military Involvement in the Middle East", **Meria**, Vol. 5, No. 1, Available at: <http://www.biu.ac.il/SOC/besa/meria/>, (Accessed on: 7/10/2017).
4. Arkhipov, Ilya, Stepan Kravchenko and Hendy Meyer (2015), "Putin Officials Said to Admit Real Syria Goal is Far Broader", **Bloomberg**, Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2015-10-19/putin-officials-said-to-admit-real-syrian-goals-are-far-broader>, (Accessed on: 10/2/2016).

5. Bagdonas, Azuolas (2012), "Russia's Interests in the Syrian Conflict: Power, Prestige and Profit", **European Journal of Economic and Political Studies**, Vol. 5, No. 2, pp. 55-77.
6. Bender, Jeremy (2015), "Report: Russia is Building a Second Military Airbase in Syria", **Business Insider**, Available at: <http://www.businessinsider.com/russia-opening-second-military-airbase-in-syria-2015-12>, (Accessed on: 9/8/2016).
7. Blank, Stephan (2015), "Russia's New Maritime Doctrine", **Jamestown Foundation**, Available at: <https://jamestown.org/program/russias-new-maritime-doctrine/>, (Accessed on: 8/1/2016).
8. Borshchevskaya, Anna (2016), "Russia in the Middle East: Motives, Consequences", **Prospects**, Available at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/pdf/putins-middle-east-policy-causes-and-consequences>, (Accessed on: 9/4/2017).
9. Cordesman, Anthony (2015), "Russia in Syria: Hybrid Political Warfare", **Center for Strategic and International Studies**, Available at: <https://www.csis.org/analysis/russia-syria-hybrid-political-warfare>, (Accessed on: 18/5/2016).
10. Gorenburg, Dmitry (2012), "Why Russia Support Repressive Regimes in Syria and the Middle East", **Ponars Eurasia Policy**, No. 198, Available at: <http://www.ponarseurasia.org/sites/default/files/policy-memos-pdf/pepm198.pdf>, (Accessed on: 17/9/2016).
11. Harmer, Christopher (2012), "Russian Naval Base Tartus, Studies in ISW (Institute for the Study of War)", **Reuters**, Available at: <http://www.Reuters.Com/Article/2013/03/01/Us-Syria-Crisis-Russia-Idusbre9200e320130301>, (Accessed on: 3/12/2015).
12. Krutz, Andrej (2010), "Syria: Russia's Best Assets in the Middle East", **Institut Francis Des Relations Internationales**, Available at: <https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/kreuzengrussiasyrianov2010.pdf>, (Accessed on: 10/12/2015).
13. Menkiszak, Marek (2013), "Responsibility to Protect... itself? Russia's Strategy towards the Crisis in Syria", **Finnish Institute of International Affairs**, Available at: <http://www.fii.fi/assets/publications/bp131.pdf>, (Accessed on: 14/11/2016).
14. Muir, Richard (1997), **Re-Introduction to Political Geography**, University College of Rion and York St John.
15. Nizameddin, Talal, (2013), **Putin's New Order in the Middle East**, London: C. Hurst and Co. Ltd.



16. **Reuters** (2011), "Gaddafi Killed as Libya's Revolt Claims Hometown", Available at: <http://af.reuters.com/article/topNews/idAFJJOE79J09O20111020>, (Accessed on: 14/11/2016).
17. Soja, Edvard (1971), **The Political Organization of Space**, Association of American Geographer, Washington D.c.
18. **Tass** (2017), "Moscow Cements Deal with Damascus to Keep 49-Year Presence at Syrian Naval and Air Bases", Available at: <http://tass.com/defense/926348>, (Accessed on: 26/4/2017).
19. Trenin, Dmitry (2012), "Russia's Policy in the Middle East: Prospects for Consensus and Conflict with the United States", **Carnegie Endowment**, Available at: [http://carnegieendowment.org/files/trenin\\_middle\\_east.pdf](http://carnegieendowment.org/files/trenin_middle_east.pdf), (Accessed on: 8/3/2015).